مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال چهارم)
شماره ۱۱ / بهار ۱۳۹۷ / ص ۵۱۴-۵۰۷

کاربست ارزشیابی توصیفی در دوره ابتدایی

نادر شهامت[۱]، نجمه نیازی [۲]

[۱] استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

نویسنده مسئول:

نادر شهامت

چکیده

ارزشیابی از دانش آموزان در نظام آموزشی جایگاه ویژه ای دارد، که از آن به عنوان ارزشیابی پیشرفت تحصیلی یاد می شود. همانطور که می دانیم ارزشیابی و نحوه اجرای آن در نه تنها در تفسیر میزان پیشرفت دانش آموزان نقش بسزایی دارد بلکه ناظران را با نحوه کار و تدریس معلم و تعاملات کلاس بیشتر آشنا می کند، در گذشته نه چندان دور ارزشیابی در دوره ابتدایی به شیوه سنتی و کمی انجام می گرفت، و مهمترین ابزار در آن امتحانات مداد- کاغذی بود، ولی از اوایل دهه ۸۰ به مرور زمان ارزشیابی توصیفی جای خود را به ارزشیابی کمی و سنتی داد. ابتدا این نوع ارزشیابی به صورت آزمایشی و در سه سال اول ابتدایی اجرا گردید ولی به مرور زمان اجرای آن در تمام سال های ابتدایی همگانی شد. مقاله حاضر به منظور کاربست ارزشیابی توصیفی در دوره ابتدایی به شیوه علمی- ترویجی و با مطالعه چندین مقاله علمی-پژوهشی در این زمینه، به منظور بررسی کاربست این شیوه ارزشیابی نوشته شده است.

واژگان کلیدی: ارزشیابی توصیفی.

مقدمه

منظور از ارزشیابی از دانشجویان و دانش آموزان عمدتاً ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی یا ارزشیابی از میزان یادگیری آنان است. با این حال، در یک برنامه کامل ارزشیابی دانشجویی یا دانش آموزی متغیرهای دیگری چون استعداد، هوش، شخصیت، نگرش، علاقه و جز اینها نیز در نظر گرفته می شوند. برای این منظور داده های زیادی جمع آوری می گردند و وسایل مختلف اندازه گیری مورد استفاده قرار می گیرند. از جمله وسایل اندازه گیری مورد استفاده می توان موارد زیر را نام برد:

آزمون های معلم ساخته و میزان شده، پروژه های کار عملی، گزارش های شفاهی، و مشاهدات رسمی و غیر رسمی (سیف،۱۳۸۲).

عمده ترین ملاک قضاوت در ارزشیابی آموزشی هدف های آموزشی از پیش تعیین شده هستند. معلمان در آغاز هر درس خود، هدف هایی را در اختیار یادگیرندگان قرار می دهند و از آنان می خواهند تا در کوشش های یادگیری خود به آنها برسند. بنابراین ارزشیابی پیشرفت تحصیلی که مهمترین نوع ارزشیابی آموزشی است تعیین می نماید که دانش آموزان یا دانشجویان تا چه میزانی به هدف های آموزشی از پیش تعیین شده رسیده اند(همان منبع).

از جمله روش های ارزشیابی که از اوایل دهه ۸۰ در مقطع ابتدایی مطرح شده و به اجرا در آمده است، ارزشیابی توصیفی می باشد. چهار دسته عوامل کلی: ۱- عوامل مدیریتی، ۲- عوامل مرتبط با معلم، ۳- عوامل فیزیکی و روانی و ۴- عوامل ایجادکننده ی جو تعامل و تشریک مساعی بر اجرای طرح ارزشیابی توصیفی در دوره ابتدایی کشور مؤثر است(بیرمی پور، شریف و همکاران،۱۳۹۰).

۱. عوامل مدیریتی: تبیین احساس نیاز به تغییر روش های سنتی ارزشیابی، برقراری راهبردهای ارتباطی مناسب و فعال برای تبادل اطلاعات، ارتقای مستمر دانش، مهارت و ظرفیت مدیران، رهبری و مدیریت اثربخش طرح ارزشیابی توصیفی، فراهم سازی منابع (انسانی، مالی و مادی) مورد نیاز اجرای طرح، ارتقای مستمر دانش، مهارت و ظرفیت معلمان، اصلاح برنامه های درسی مؤسسات تربیت معلمان، هماهنگ سازی عناصر برنامه درسی با اهداف طرح، نگاه نظام مند به اجرای طرح ارزشیابی توصیفی از سوی اندرکاران، تصریح دقیق انتظارات از مجریان در رابطه با اجرای طرح ارزشیابی توصیفی، فراهم سازی زمینه های فرهنگی و اجتماعی مناسب به منظور توجیه اولیا(همان منبع).

۲. عوامل مرتبط با معلم: دستیابی معلمان به درک و فهم درست نسبت به طرح ارزشیابی توصیفی، دسترسی آسان و مستمر معلمان به متخصصان و مشاوران فنی، مشارکت دادن معلمان در تصمیم‌گیری های مرتبط با طرح ارزشیابی توصیفی، توجه به اصلاح و ارتقای نگرش های معلمان نسبت به طرح ارزشیابی توصیفی، قدردانی شایسته از تلاش های معلمان، نظرخواهی از معلمان در زمینه های گوناگون و مرتبط با اجرای طرح، توجه به زمینه های اجتماعی، سازمانی و تاریخی معلمان، تحصیلات معلمان، سابقه و تجربه کاری معلمان(همان منبع).

۳. عوامل فیزیکی و روانی: متناسب بودن تعداد دانش آموزان کلاس با توجه به اهداف طرح ارزشیابی توصیفی، متناسب بودن حجم فعالیت های کلاسی آموزش با زمان آموزش، وجود جو حمایتی از طرف جامعه، مدیران و دست اندرکاران طرح درمدرسه، فراهم بودن مواد آموزشی مناسب در مدرسه، احساس اعتماد و امنیت و نبود استرس و نگرانی از اجرای طرح در مدرسه، در دسترس بودن امکانات و تجهیزات مناسب و مورد نیاز در مدرسه، ایجاد علاقه و انگیزه در مجریان از طرف مسؤلان و دست اندرکاران طرح (همان منبع).

۴. عوامل ایجاد کننده جو تعامل و تشریک مساعی: برقراری ارتباط سازنده مدیران با کارکنان مدرسه به منظور اجرای بهتر طرح ، ایجاد جو تفاهم و تشریک مساعی میان معلمان مدرسه، فعال‌سازی شورای معلمان و مدرسه برای هماهنگ سازی فرهنگ سازمانی مدرسه با طرح، ایجاد جو تفاهم و تشریک مساعی میان والدین دانش آموزان و مسؤلان مدرسه، فراهم سازی فرصت تبادل تجارب

و اطلاعات مجریان طرح در مدارس مختلف، فراهم سازی فرصت فهم این حقیقت که ناهم‌خوانی نظرات و تفاوت در دیدگاه ها جزئی از روند طبیعی اجرای اصلاحات در برنامه درسی باشد(همان منبع).

از میان چهار دسته عوامل کلی، « عوامل مدیریتی » بیش ترین تأثیر را بر اجرای طرح ارزشیابی توصیفی در مدارس دوره ی ابتدایی کشور داشته است. همچنین، نتایج حاکی از آن است که به ترتیب «عوامل مرتبط با معلم»، «عوامل فیزیکی و روانی» و «عوامل ایجاد کننده ی جو تعامل و تشریک مساعی» در اولویت های بعدی قرار دارند(همان منبع).

بیان مسئله

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی را می توان به صورت زیر تعریف کرد: سنجش عملکرد یادگیرندگان و مقایسهٔ نتایج حاصل با هدف های آموزشی از پیش تعیین شده، به منظور تصمیم گیری در این باره که آیا فعالیت های آموزشی معلم و کوشش های یادگیری دانش آموزان یا دانشجویان به نتایج مطلوب انجامیده اند و به چه میزانی. بنابراین، در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دو اقدام اساسی ضروری است: (۱) تعیین هدف های آموزشی، (۲) سنجش یا اندازه گیری عملکرد یادگیرندگان(سیف،۱۳۸۲).

از اوایل دهه ۸۰ در دوره ابتدایی به مرور ارزشیابی توصیفی جای خود را به ارزشیابی مداد-کاغذی داد که اجرای این نوع ارزشیابی با موانع و چالش هایی رو به رو بود و چندین ضعف برای آن برشمرده شده است، از جمله موانع و چالش های پیش روی طرح ارزشیابی توصیفی از دیدگاه معلمان را می توان از موارد زیر یاد کرد:

عدم توجه به منابع کالبدی و آموزشی با بالاترین درصد، عدم آموزش صحیح معلمان، عدم توجیه والدین، عوامل سازمانی مرتبط با اجرای طرح ، میزان تناسب برنامه های درسی، عدم وجود ارتباط بین آموزش و پرورش و دانشگاه ، عدم همکاری والدین ، نحوه استفاده از ابزارهای ارزشیابی توصیفی، عدم آگاهی از فرایند یاددهی و یادگیری، و ارتقای بهداشت روانی دانش آموزان با کمترین درصد. همچنین موانع و چالش های پیش روی این طرح از دیدگاه کارشناس مسؤولان به ترتیب عدم آموزش صحیح معلمان، عدم توجیه والدین و عدم توجه به منابع کالبدی و آموزشی، میزان تناسب برنامه های درسی و نحوه استفاده از ابزارهای ارزشیابی توصیفی، عدم ارتباط بین آموزش و پرورش و دانشگاه و عوامل سازمانی و عدم همکاری والدین می باشد(کشتی آرای،کریمی علویجه، فروغی ابری،۱۳۹۲).

عواملی را که باعث ضعف ارزشیابی توصیفی می شود به سه عامل طبقه بندی می کنند :۱. عوامل مربوط به دانش آموزان ۲. عوامل مربوط به آموزش ۳. عوامل مربوط به خانواده(سواری و نیسی،۱۳۹۳).

۱. عوامل مربوط به دانش آموزان: گوشه‌گیر شدن و یا بی‌رغبتی دانش‌آموزان نسبت به این طرح، عدم تلاش دانش‌آموزان برای یادگیری بیشتر، عدم رسیدگی والدین به دروس فرزندان، بی‌اهمیت جلوه دادن کلاس درس، نداشتن ذوق و شوق دانش‌آموزان برای گرفتن نمره، اتکاء معلم به بیان کلامی، قرار گرفتن تعداد زیادی از دانش‌آموزان در یک سطح علیرغم توانایی‌های متفاوت، عدم توانایی مقایسه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با همدیگر به علت نداشتن نمره، همکاری کم خانواده ها با معلمان، بی‌توجهی شاگردان و خانواده‌ها به ارزشیابی پایان سال، از بین رفتن رقابت درسی به دلیل نبود نمره، کم کاری آموزشی دانش‌آموزان، عدم نظارت کافی بر حسن اجرای این نوع ارزشیابی(نداشتن بازرسی مداوم)، عدم اجرای صحیح این نوع ارزشیابی در مدارس(سواری و نیسی،۱۳۹۳).

۲. عوامل مربوط به آموزش: وقت‌گیر بودن این نوع ارزشیابی (جهت نوشتن وضعیت پیشرفت تحصیلی فراگیران)، عدم تحقق کامل اهداف ارزشیابی توصیفی با توجه به کمبود وقت، حجم زیاد مطالب دروسی، وجود سر و صدا در کلاس‌ها به دلیل مشارکت جمعی دانش‌آموزان، پایین آوردن کارایی معلم به علت جمعیت زیاد دانش‌آموزان،کم شدن اطاعت دانش‌آموزان از معلم به دلیل برقراری روابط صمیمی با آن، ارتقاء برخی از دانش‌آموزان به پایه بالاتر علیرغم نیاز آنها به تکرار پایه تحصیلی، بی‌توجهی خانواده ها به آموزش اضافی فرزندان خود به دلیل اطمینان از قبولی فرزندان خود، عدم کشش دانش‌آموزان دو زبانه، عدم اجرایی شدن این طرح برای همه مناطق، نداشتن تعریف مشخص و معیارهای دقیق‌تر ارزشیابی(همان منبع).

۳. عوامل مربوط به خانواده: نداشتن امکانات، وسایل رفاهی و آموزشی برای اجرای طرح در مدارس، کم شدن مردودی تحصیلی، نا مفهوم بودن کارنامه های ماهانه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان برای والدین کم سواد، جا نیا فتادن مفا هیم خوب و بسیار خوب برای بعضی از خانواده‌ها، عدم تعیین سطح واقعی یادگیری تک تک دانش‌آموزان، پایین آمدن کیفیت آموزش در کلاس های پر جمعیت، پر کاری معلمان از لحاظ نوشتاری و جمع‌آوری پوشه کارها، آگاه نبودن والدین از نحوه اجرای این نوع ارزشیابی (همان منبع).

اما اکنون سؤال و مسئله این است که آیا روش ارزشیابی توصیفی یک روش ارزشیابی کامل و بدون نقص برای سنجش عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می باشد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

بطور کلی برای سنجش اینکه فرد یا افرادی در رسیدن به اهداف مورد نظر خود موفق بوده اند یا نه نیاز اساسی به اندازه گیری و یا ارزشیابی است، امر آموزش نیز از این قاعده مثتنی نبوده بلکه در جامعه بشری جایگاه ویژه و خاصی دارد، زیرا بدون ارزشیابی و سنجش هرگز نه می توان پیشرفت تحصیلی و میزان یادگیری دانش آموزان را سنجید و نه اینکه معلمان می توانند از موفقیت کاری و تدریس خود آگاه شده و در صورت مشکل آن را رفع و اصلاح نمایند، بنابراین برای دستیابی به این نکته که چه میزان اهداف آموزشی تحقق یافته، به چه میزان فعالیت های معلم در یادگیری دانش آموزان نتیجه مطلوب داشته و یادگیری دانش آموزان به چه میزانی بوده است، باید روشی برای سنجش وجود داشته باشد، که امروزه در دوره ابتدایی این شیوه به صورت ارزشیابی توصیفی و با ابزاری چون چک لیست، پوشه کار و ... انجام می گیرد.

این شیوه ارزشیابی دارای اثرات مفیدی بوده که از نظر معلمان ابتدایی می توان به سه عامل تقسیم بندی کرد: عامل تثبیت یادگیری، عامل امکان ارزشیابی، عامل کاهش اضطراب امتحان(سواری،۱۳۹۳).

۱. عامل تثبیت یادگیری از طریق مرور مطالب: طرح سؤال و یافتن پاسخ، برقراری ارتباط یادگیری های قبلی با بعدی، افزایش گنجینه لغات دانش آموزان، مشارکت فعال معلم، دانش آموز و خانواده در امر آموزش، کسب مهارتهای مطالعه صحیح، تلفیق مهارتهای شنیدن، خواندن، تفکر و نوشتن، ایجاد نگرش مطلوب نسبت به مدرسه، کسب مهارت ارتباط بین فردی، کسب مهارت تفکر انتقادی ، رشد مهارت خوداصلاحی و تنظیمی ، تشخیص نقاط قوت و ضعف آموزشی دانش آموزان و ارزیابی تمام فعالیتهای تحصیلی همه دروس دانش آموزان ازجمله نقاط قوت طرح ارزشیابی توصیفی است(همان منبع).

۲. امکان ارزشیابی آموزشی همزمان چند دانش آموز: هدف از طرح ایجاد یادگیری است تا کسب نمره، برقراری ارتباط عاطفی بین معلم و دانش آموزان ، بالا رفتن قدرت بیان دانش آموزان، تشویق دانش آموزان به تحقیق در مورد مسائل گوناگون، آگاهی مستمر والدین از فعالیت های آموزشی فرزندان ، صرفه جویی در سرمایه و سرانه مدرسه ، تأکید بر تلاش کیفی دانش آموزان و نه بر کمیت از جمله نقاط قوت طرح ارزشیابی توصیفی به شمار می رود(همان منبع).

۳. کاهش اضطراب امتحان دانش آموزان: مناسب بودن این روش برای کلاس های با جمعیت کم، استمرار فرایند یاددهی و یادگیری در طول سال، از بین رفتن وابستگی به نمره در دانش آموزان و نبود مردودی از دیگر نقاط قوت طرح ارزشیابی توصیفی است. در طرح توصیفی نامی از امتحانات کلاسی و سالیانه باقی نمی ماند و اضطراب ناشی از دیو امتحان جای خود را به فرشته مهربانی، عشق و امید می دهد و یک انگیزه درونی جهت یادگیری بهتر و عمیق تر در کودکان نمایان می شود و شعار سنتی " امروز در مدرسه چند گرفته اید؟" جای خود را به " امروز در مدرسه چه آموخته اید؟" می دهد و عملاً با طرح این سؤال کودکان آموخته های خود را در منزل و در جامعه به خاطر می آورند و مرور می کنند. بنابراین هیچ کودک دیگر به خاطر گرفتن نمره کم تنبیه نمی شود یا به علت فشار والدین و تمسخر همکلاسی های خود و اطرافیان تحت فشار روحی و روانی قرار نمی گیرد و عواقب ناخوشایندی که بارها شاهد آن بوده ایم به وقوع نمی پیوندد. بلکه در یک محیط آرام و به دوراز تنش هر کس می تواند راه پیشرفت خود را طبق استعداد خدادادی خویش و در بستر مناسبی که معلم فراهم می کند ادامه دهد(همان منبع).

بحث و نتیجه گیری

با توجه به تحقیقات به عمل آمده درباره ارزشیابی توصیفی و مطالعات متعددی که در این زمینه انجام شده است می توان نتیجه گرفت که مهم ترین دلایلی که در دوره ابتدایی باعث شد ارزشیابی توصیفی جای خود را به ارزشیابی سنتی و مداد-کاغذی بدهد، مواردی چون کاهش استرس دانش آموزان، افزایش مهارت های ارتباطی دانش آموزان، افزایش اعتماد به نفس آنان و ... می باشد؛ اما ارزشیابی توصیفی نیز خالی از ایراد نیست و نمی توان آنها را نادیده گرفت که می توان برخی از مهم ترین این ایرادها را چنین ذکر کرد: عدم تلاش دانش‌آموزان برای یادگیری بیشتر، بی‌اهمیت جلوه دادن کلاس درس، نداشتن ذوق و شوق دانش‌آموزان برای گرفتن نمره، بی‌توجهی شاگردان و خانواده‌ها به ارزشیابی پایان سال، از بین رفتن رقابت درسی به دلیل نبود نمره، کم کاری آموزشی دانش‌آموزان و بسیاری موارد دیگر که قبلاً نیز ذکر شد، بعلاوه با توجه به اینکه هنوز در دوره متوسطه اول شیوه ارزشیابی به روش سنتی است باعث شده که مشکلاتی چون عدم تلاش دانش‌آموزان برای یادگیری بیشتر، بی‌اهمیت جلوه دادن کلاس درس، نداشتن ذوق و شوق دانش‌آموزان برای گرفتن نمره، کم کاری آموزشی دانش‌آموزان را دو چندان گردد و حتی این تصور را برای دانش آموزان ایجاد می کند که معلم به دانش آموز نمره قبولی را خواهد داد.

قلتاش و همکارانش در مقاله خود با عنوان "آسیب شناسی الگوی ارزشیابی توصیفی به منظور ارائه الگوی مناسب در دوره ابتدایی" بعد از بحث راجع به مشکلات و آسیب های ارزشیابی توصیفی برای ارزشیابی پیشرفت تحصیلی الگوی تلفیقی ارزشیابی را پیشنهاد می دهند، که مهم ترین مؤلفه های این الگو به شرح زیر است:

زمان ارزشیابی : با به‌کارگیری و استفاده از انواع آزمون هایی که در روش ارزشیابی کیفی توصیفی به صورت مستمر و با توجه به حیطه های گوناگون عاطفی و رفتاری در تمام ساعات و لحظات که دانش آموز در مدرسه حضور دارد می توان از او ارزشیابی به عمل آورد در مورد زمان ارزشیابی آنچه که اکنون در ارزشیابی توصیفی صورت می گیرد مطلوب است. بعلاوه امتحان نوبت اول و دوم در دو فصل از سال تحصیلی صورت گیرد .

روش ارزشیابی : در الگوی پیشنهادی که تلفیقی نام گرفت مانند ارزشیابی توصیفی از انواع روش های ارزشیابی استفاده می شود مانند آزمون کتبی، شفاهی، عملکردی و مشاهده رفتار و ... که از سرفصل های آموزش مراکز تربیت معلم و تربیت دبیر می باشند.

سیستم نمره گذاری: با توجه به سیستم نمره گذاری کمی و برخلاف سیستم نمره گذاری کیفی و بجای به کارگیری مقوله های (در حد انتظار، نیاز به تلاش بیشتر و خیلی خوب) در این الگو نمرات دانش آموز ملاکی از یک تا شش دارد. این ملاک صفر ندارد چون در حقیقت دانش آموزی نیست که نمره صفر داشته باشد. نمره یک نشان دهنده دانش آموز خیلی ضعیف است. نمره دو نشان دهنده دانش آموز یا کار ضعیف است و نمره سه نشان دهنده کار یا دانش آموز متوسط است که کارش مورد قبول است و شرایط گذر از پایه و قبولی را دارد. نمره چهار نشان دهنده دانش آموز خوب است و نمره پنج نشان دهنده دانش آموز خیلی خوب و نمرهٔ شش نشان دهنده کار یا دانش آموز عالی و سرآمد است.

الگوی نمره گذاری یک تا شش می تواند معایب زیر را که کم و بیش در ارزشیابی کمی و کیفی توصیفی موجودند برطرف نماید:

۱. تشخیص مناسب تر و راحت تر دانش آموز ابتدایی و والدینش از وضعیت تحصیلی خود و فرزندشان.

۲. از آنجایی که نمرهٔ شش مختص دانش آموزان نخبه و سرآمد است، این گونه دانش آموزان شناسایی می شوند و این در حالی است که عدم شناسایی آن ها بسیار نامطلوب و از معایب ارزشیابی های دیگر است.

۳. کاهش اضطراب نمره و کاهش فرهنگ بیست گرایی.

۴. افزایش تعامل والدین با آموزگار و مدرسه به دلیل عدم سرگردانی در مقوله های وضعیت دانش آموز.

۵. جلوگیری از زیر کار در رفتن دانش آموزان تنبل و کم کار چنانچه در ارزشیابی توصیفی چنین بستری برای دانش آموزان کم کار فراهم است.

۶. جلوگیری از بی انگیزگی یا کم انگیزه شدن معلمان.

۷. با توجه به اینکه در این الگو به نوعی نمره درکار است و اهمیت دارد حس رقابت در دانش آموزان تقویت می شود.

۸. این شیوه نمره دهی از تعداد چک لیست ها و خرج هایی‌که در ارزشیابی توصیفی برای هر دانش آموز در نظر گرفته می شوند می‌کاهد.

۹. مشکل وقت گیر بودن ارزشیابی را برطرف می کند.

۱۰. فرصت رسیدگی معلم به مقوله هایی مانند خوشنویسی و درست نویسی و مسائل تربیتی که در ارزشیابی توصیفی به دلیل حجم زیاد کار در حال فراموشی هستند فراهم می شود.

۱۱. از آنجایی که نمره شش مختص دانش آموز سرآمد است والدین و دانش آموزان نمی توانند برای گرفتن نمره ۶ اصراری داشته باشند.

۱۲. مدیر و بازرسان ادارهٔ محلی به راحتی می توانند با مشاهده برگه های دانش آموزان و یا انجام یک آزمون کتبی از وضعیت تحصیلی دانش آموزان با معدل گیری آگاهی یابند.

۱۳. شلوغ بودن رده ها حقیقتی است انکارناپذیر که با به کارگیری الگوی نمره گذاری یک تا شش از عیب این مورد می کاهد.

۱۴. ارزشیابی از درس های تربیت بدنی و ریاضی که خود کمی هستند دقیق تر و بهتر صورت می گیرد.

۱۵. معلمان کم تجربه و کسانی که از تحصیلات دانشگاهی بالایی برخوردار نیستند در سیستم نمره گذاری ۶-۱ نسبت به طرح ارزشیابی توصیفی که نیاز به معلمان آموزش دیده و تحصیل کرده را دارد بهتر می توانند کار کنند. ۱۶. در یک کلاس پرجمعیت عملاً دانش آموزان در حالت عادی در چهار دسته قرار می گیرند (۲و ۳و ۴و ۵) این در حالی است که در سیستم کمی دانش آموزان در ۲۰- ۱۹ دسته قرار می‌گیرند.

۱۷. مقایسه وضعیت دانش آموز با خودش و همکلاسی هایش در ملاک ۶-۱ به آسانی ممکن است.

۱۸. تهیه کارنامه پایانی و برای آخر سال به این شیوه بسیار ساده تر و کم تر و هزینه تر خواهد بود.

گزارش به خانه : در الگوی تلفیقی برای هر درس نمره ای از یک تا شش در نظر گرفته می شود و کارنامه دانش آموز می تواند به صورت ماهانه در اختیار والدین قرار گیرد والدین به راحتی‌می توانند وضعیت فرزند خود را با ملاک ۶-۱ تحلیل و بررسی نمایند و سردرگمی شیوه های ۲۰-۰ و توصیفی را نخواهند داشت.

تکرار پایه : مردودی و تکرار پایه از معضلات ارزشیابی کمی بود و در ارزشیابی توصیفی مردودی به کل حذف گردیده است. برای الگوی پیشنهادی که تلفیقی نام گرفت والدین دانش آموزان که نمره یک می گیرند و نمی توانند به پایه بالاتر بروند هزینه آموزشی یک سال تکرار فرزندشان را متقبل می شوند و می توانند پایه را تکرار نمایند.

دروس اجباری و اختیاری : دروس فارسی و ریاضی از اهمیت خاصی در ابتدایی برخوردارند چنانچه دانش آموزی در این دو درس مشکل داشته باشد در دوره راهنمایی با مشکلاتی مانند ترک تحصیل و... روبرو خواهد شد، بنابراین می توان ترتیبی اتخاذ نمود تا شرط گذار دانش آموز از ابتدایی به راهنمایی و مقطع بالاتر کسب نمرهٔ حداقل چهار از دروس فارسی و ریاضی باشد.

امتحان هماهنگ: با توجه به تجربه اکثر کشورهای پیشرفته و تجربه گذشته کشور خودمان حتی المقدور در پایان سال ششم امتحانات به صورت هماهنگ استانی برگزار شود و تصحیح و اعلام نتایج امتحانات برخلاف رسم کنونی بر عهدهٔ ادارهٔ منطقه باشد تا امکان ارتقای دانش آموزان خیلی ضعیف به مقطع بالاتر وجود نداشته باشد(قلتاش، اوجی نژاد و همکارانش ۱۳۹۴).

درست است که الگوی پیشنهادی قلتاش و همکارانش بسیاری از مشکلات را حل می کند و محاسن زیادی دارد ولی خود خالی از ایراد نیست؛ آنان تشخیص مناسب تر و راحت تر دانش آموز ابتدایی و والدینش از وضعیت تحصیلی خود و فرزندشان، از محاسن این روش می دانند اما اگر دقت کنید خواهید دید که شیوه سنتی ارزشیابی و نمره۲۰-۱ هم برای معلمان، هم دانش آموزان و اولیای آنان قابل فهم تر خواهد بود؛ در واقع سیستم نمره گذاری ۱-۶ همان روش ارزشیابی توصیفی است که مؤلفه های آن یعنی نیاز به راهنمایی، خوب و ... به صورت عدد بین ۶-۱ نشان داده می شود و ممکن است همان مشکلات بدفهمی در ارزشیابی توصیفی را به وجود آورد، همچنین شناخت دانش آموزان سرمد فقط برای معلمان و اولیای آنان لازم است چون در این صورت ممکن است باعث برانگیخته شدن حسادت دیگر دانش آموزان یا حتی فخرفروشی خود آنان گردد، و این مسئله در کلاس درس زیاد خوشایند نیست. بنابراین پیشنهاد اینجانب همان الگوی تلفیقی قلتاش با تغییراتی به شرح زیر می باشد که بهتر است مورد بررسی و اعتبارسنجی متخصصان قرار گیرد، شاید بتواند مشکل گشای راه باشد.

۱. سیستم نمره گذاری همان ملاک۲۰-۱ باشد.
۲. نمره مستمر و پایانی: در طول سال تحصیلی نمره مستمری به دانش آموزان داده می شود که ابزار جمع آوری این نمره شامل تمام ابزار ارزشیابی توصیفی و همچنین ارزشیابی های کمی باشد، و در انتهای نیمسال تحصیلی با آزمون کتبی دانش آموزان جمع گردیده و فقط یک نمره در کارنامه درج شود.

۳. برای درک بهتر دانش آموزان و اولیای آنان نمره مستمر ۱۰ نمره و پایانی نیز ۱۰ در نظر گرفته شود و جمع این دو در کارنامه ثبت گردد، نمره با استفاده از ابزار سنجش ارزشیابی توصیفی مثل چک لیست، پوشه کار و ... جمع آوری و ثبت گردد و نمره پایانی یک آزمون کتبی از دروس باشد.

۴. این شیوه ارزشیابی برای دروس عملی نیز مفیدتر واقع می شود.

باز هم تاکید می شود که این شیوه نمره گذاری و ارزشیابی پیشنهادی بوده و با توجه مطالعه مقالات نوشته شده درباره ارزشیابی توصیفی نتیجه گیری شده است و به دلیل حساسیت آموزش باید مورد کارشناسی دقیق قرار گیرد.

منابع و مآخذ فارسی

- بیرمی پور، علی؛ شریف، مصطفی و همکاران (۱۳۹۰). شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر اجرای طرح ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی کشور. پژوهش های برنامه درسی، دوره اول، شماره دوم، ص ۱-۲۸.
- سواری، ک. (۱۳۹۴). **" بررسی نقاط قوت طرح ارزشیابی توصیفی"**.
- سواری، کریم؛ نیسی، عبدالکاظم (۱۳۹۳). شناسایی نقاط ضعف طرح ارزشیابی توصیفی. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ششم، شماره ۲، ص ۱۵۶-۱۳۹.
- سیف، ع(۱۳۸۲). اندازه گیری، سنجش، و ارزشیابی آموزشی (چاپ شانزدهم). تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- قلتاش، عباس؛ اوجی نژاد، احمدرضا؛ دهقان منگابادی، علیرضا(۱۳۹۴). آسیب شناسی الگوی ارزشیابی توصیفی به منظور ارائه الگوی مناسب در دوره ابتدایی. پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، سال دوم، شماره دهم، ص ۱۶-۷.
- کشتی آرای، نرگس؛ کریمی علویجه، اکرم؛ فروغی ابری، احمدعلی (۱۳۹۲). شناسایی موانع و چالش های اجرای طرح ارزشیابی توصیفی. پژوهش در برنامه ریزی درسی، دوره دوم، شماره ۱۲، ص ۶۸-۵۳.